

پیشگفتار

گرچه همواره در طول تاریخ بشر، ملت‌ها به لحاظ علم، ثروت و ... تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر داشته‌اند، ولی به دلایلی، از جمله گسترش ارتباطات، اطلاعات و مناسبات، هیچ‌گاه این تفاوت‌ها مانند سده بیستم جلوه‌گری نداشته است. خوانِ نعمت گسترده برای حدود یک سوم جمعیت زمین، در کنار محرومیت سایرین، به علاوه عوامل دیگری که در لابه‌لای سطور و اوراق این نوشته خواهد آمد، شناخت این پدیده‌ها، یعنی آنچه امروزه توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی تعبیر می‌شود، ضرورت یافت. حدود نیم قرن است که اندیشمندان بسیاری به تجزیه و تحلیل این پدیده‌ها پرداخته‌اند. خوشبختانه در سالیان اخیر، کتاب‌های زیادی در این زمینه در کشور ما تألیف یا ترجمه شده است؛ برخی از این کتاب‌ها، جنبه‌های تئوریک و نظری را مورد بررسی قرار داده‌اند، بعضی به حوزه‌های کاربردی مباحث توجه بیشتری نموده‌اند و برخی نیز تنها به جنبه‌های خاصی از این پدیده پرداخته‌اند.

ویژگی نوشته حاضر، نگاه تاریخی به توسعه غرب است. سعی شده که آنچه در مغرب زمین رخ داده است، به صورت تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. البته تجربه مغرب زمین، به عنوان یکی از راه‌های رسیدن به توسعه، به صورت کلی مرور شده است. مهم‌ترین تحولات فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، فنی و بین‌المللی، در فصل‌های دوم تا پنجم مرور شده است. در فصل اول نیز مباحث مربوط به توسعه و تحولاتی که در این مفهوم رخ داده، به اختصار ارائه شده است.

گستره مطالب و چندبُعدی بودن بررسی، این امکان را برای خواننده فراهم می‌کند که درکی کلی و نسبتاً جامع در مورد پدیده توسعه‌یافتگی بیابد. هم‌چنین، ارائه تاریخی مباحث در کنار چندبُعدی بودن آن، هم خواننده را در فضای واقعی و عینی این پدیده قرار می‌دهد و هم ملالت و خستگی ناشی از مباحث جشک و انتزاعی نظری را ندارد. در تمامی موارد، رویکردی نسبتاً انتقادی چاشنی ارائه مباحث است. سعی شده است تا خواننده به این استنباط برسد که اولاً توسعه، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست، بلکه بسیاری عوامل غیر اقتصادی در این پدیده دخالت دارد و ثانیاً دستیابی به توسعه، با تقلید و حرکت کورکورانه از این و آن حاصل نمی‌شود، بلکه نیل به توسعه، در گرو حرکت آگاهانه مبتنی بر عناصر هویت‌بخش و هویت‌آفرین است. این نوشته، نه برای اقتصاددانان سخن تازه‌ای دارد، نه برای تاریخ‌نگاران و نه برای آشنایان با تاریخ و اقتصاد. تنها به دنبال ارائه تصویری نسبتاً ساده است تا علاقه‌مندان به آشنایی با پدیده توسعه را راهنمایی کند. به هر حال، امید است هم برای علاقه‌مندان به آشنایی، و هم برای آشنایان سودمند باشد؛ چراکه تاریخ و شناخت تجربیات دیگران و سرنوشت و سرگذشت گذشتگان، همواره سودمند است؛ فاعتبرو یا اولی‌الابصار. دستیابی به دیدگاه‌های خوانندگان گرامی و بهره‌گیری از تیزبینی اندیشمندان، فرصتی است مغتنم و منتی است بر دیده.